

## بازار و سرمایه



ریزش بورس ادامه دار شد

### خروج بی‌دربی نقدینگی و افزایش احتیاط معامله‌گران



ریزش بیش از ۳۰۰ هزار واحدی شاخص کل بورس طی سه روز معاملاتی، بار دیگر فضای تالار شیشه‌ای را تحت‌تأثیر قرار داده و صف‌های فروش سنگین و خروج نقدینگی را به‌دنبال داشته است. در این میان، افزایش ریسک‌های بیرونی و نااطمینانی‌های سیاسی، به‌یکی از متغیرهای اثرگذار بر رفتار معامله‌گران تبدیل شده است.

بازار سرمایه در روزهای اخیر یکی از پرترس‌ترین مقاطع خود در ماه‌های گذشته را پشت سر گذاشته است؛ جایی که شاخص کل بورس طی سه روز معاملاتی بیش از ۳۰۰ هزار واحد عقب‌نشینی کرد و موجی از نگرانی را میان سهامداران به‌وجود آورد. به گزارش خبرآنلاین، صف‌های فروش سنگین، خروج بی‌دربی نقدینگی و افزایش احتیاط معامله‌گران، فضای تالار شیشه‌ای را به‌طور محسوس تغییر داده است. این افت ناگهانی در حالی رقم خورده که بازار سهام پیش از این، یک دوره رشد قابل توجه را تجربه کرده و بسیاری از نمادها در سطوح قیمتی بالاتری معامله می‌شدند. با این حال، تشدید نااطمینانی‌ها و افزایش ریسک‌های بیرونی باعث شد مسیر بازار به‌سرعت تغییر کند

و رفتار هیجانی جای تحلیل‌های بلندمدت را بگیرد. هم‌زمان با افت شاخص‌ها، ارزش صف‌های فروش به ارقام قابل توجهی رسیده و خروج روانه هزاران میلیارد تومان نقدینگی، نشانه‌ای از افزایش ترس و احتیاط در میان فعالان بازار است. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که ریزش اخیر تا چه اندازه می‌تواند ادامه‌دار باشد و آیا بازار سرمایه در آستانه یک اصلاح عمیق‌تر قرار گرفته یا صرفاً واکنشی کوتاه‌مدت به فضای پرریسک فعلی را تجربه می‌کند؟ در همین رابطه بهنام صمدی، کارشناس بازار سرمایه ریزش بیش از ۳۰۰ هزار واحدی شاخص کل بورس در سه روز اخیر را یک اصلاح معمول، بلکه واکنشی به‌ریسک‌های تحمیلی و سیستم‌تایک ارزیابی کرد. به گفته صمدی، بازار سرمایه پس از رشد قابل توجهی که تا محدوده چهار میلیون واحد تجربه کرده‌بود، ذاتاً می‌توانست وارد فاز اصلاح شود، اما آنچه در روزهای اخیر رخ داده، بیش از آنکه اصلاح قیمتی باشد، واکنش هیجانی بازار به افزایش تنش‌های سیاسی و امنیتی در منطقه است. او قطع اینترنیت، اختلال در ارتباطات بازار و همچنین اخبار مربوط به حضور نظامی آمریکا در منطقه را از جمله عواملی دانست که به‌صورت مستقیم بر رفتار معامله‌گران اثر گذاشته است. این کارشناس بازار سرمایه با تأکید بر ماهیت ریسک‌گریز بازار سهام گفت: بازار مالی ذاتاً «ترسو» است و به محض افزایش سطح ریسک‌های سیاسی، واکنش منفی نشان می‌دهد؛ همان‌طور که با کاهش تنش‌ها نیز می‌تواند به سرعت مسیر تعادلی خود را بازیابد. صمدی در ادامه با اشاره به وضعیت بنیادی شرکت‌ها تصریح کرد: از منظر بنیادی، بازار سرمایه در شرایط مناسبی قرار دارد و مشکل خاصی متوجه شرکت‌ها نیست. راه‌اندازی تالار دوم و حذف نرخ‌های چندگانه، که منجر به تک‌نرخ شدن ارز در محدوده حدود ۱۲۳ هزار تومان شده، اتفاق مثبتی برای شفافیت بازار بوده است. همچنین گزارش‌های ۹ماهه شرکت‌ها عموماً رضایت‌بخش ارزیابی می‌شود و عرضه محصولات شرکت‌ها در بستر شفاف‌تری انجام می‌گیرد. به اعتقاد او، ریسک فعلی بازار ماهیتی موقتی دارد و بیش از هر چیز به تحولات سیاسی و امنیتی وابسته است. صمدی یادآور شد: بازار سرمایه پیش‌تر نیز دوره‌ای طولانی از تعطیلی را تجربه کرده و حتی اگر به بازگشایی، صف‌های فروش سنگینی شکل گرفته بود، اما در ادامه شاخص کل نتنها افت‌ها را جبران کرد، بلکه توانست سقف‌های جدیدی را نیز ثبت کند. این تحلیلگر بازار سرمایه درباره چشم‌انداز کوتاه‌مدت شاخص گفت: در شرایط فعلی نمی‌توان عدد مشخصی برای تک بازار تعیین کرد. در حال حاضر ارزش صف‌های فروش به حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده و صندوق‌های تثبیت توسعه نیز در روزهای اخیر مداخله مؤثری نداشته‌اند. طی چند روز گذشته، روزهان حدود ۵ تا ۶ هزار میلیارد تومان نقدینگی از بازار خارج شده و این موضوع، پیش‌بینی‌پذیری بازار را دشوارتر کرده است. صمدی تأکید کرد که با وجود این شرایط، نگرانی جدی از منظر بنیادین وجود ندارد و آنچه بازار را تحت فشار قرار داده، صرفاً تشدید ریسک‌های سیاسی و تنش‌های منطقه‌ای است؛ از جمله بحث تهدیدهای نظامی و ابهام نسبت به آینده درگیری‌ها. او در پایان با اشاره به رفتار سایر بازارها افزود: نکته قابل توجه این است که با وجود فضای ملتهب سیاسی، بازار از نوسان شدیدی را تجربه نکرده و در بازار حواله و مرکز مبادله آرامش نسبی برقرار است. به گفته صمدی، بازار سرمایه معمولاً زودتر از سایر بازارها به تحولات واکنش نشان می‌دهد و در صورت کاهش ریسک‌های سیاسی، می‌تواند سریع‌تر به تعادل بازگردد.

بازار و سرمایه — 400

به گزارش اکوایران، انتشار گزارش شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۳، نه فقط یک سند حسابداری، بلکه پرده‌برداری از یک فاجعه خاموش در قلب زیرساخت‌های حیاتی کشور است. ثبت مجموعاً حدود ۱۷۰ همت (هزار میلیارد تومان) زیان توسط سه غول بزرگ دولتی در حوزه انرژی- شرکت ملی گاز، شرکت تولید نیروی برق حرارتی و توانیر- عددی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت؛ اما واکاوی دقیق‌تر این ارقام نشان می‌دهد که این زیان‌های نجومی تنها کوه یخ هستند. کوهی که بدنه اصلی آن در دهه‌ها سیاست‌گذاری متناقض، سرکوب قیمت‌ها و انباشت بدهی‌های ارزی نهفته است و اکنون با شوک‌های ارزی پایان سال ۱۴۰۳، به شکل یک بحران تمام‌عیار در ترانزنامه‌ها دهان باز کرده است.

**زلزله ارزی در ترانزنامه‌های انرژی**

نخستین و شاید مهم‌ترین یافته در بررسی گزارش عملکرد سال ۱۴۰۳، ماهیت متفاوت زیان‌دهی در این دوره است. برخلاف تصور رایج که زیان شرکت‌های دولتی را صرفاً پای ناکارآمدی مدیریتی یا فساد می‌نویسد، داده‌های امسال نشان می‌دهد که بخش اعظم این زیان، ریشه در تصمیمات کلان اقتصاد سیاسی و شوک‌های حسابداری دارد. در صدر جدول زیان‌ده‌ترین شرکت‌های دولتی، نام شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی می‌درخشد؛ شرکتی که وظیفه راهبردی توسعه و نگهداری نیروگاه‌های کشور را بر عهده دارد و حالا با ثبت زیان حیرت‌آور ۷۱ همتی، رکوردار زیان در میان تمامی بنگاه‌های دولتی شده است.

اما نکته کلیدی و ظریف ماجرا اینجاست که این زیان عظیم، لزوماً به معنای عملکرد منفی عملیاتی در سال مورد بررسی نیست. گزارش دیوان محاسبات صراحتاً بیان می‌کند که از مجموع ۷۱ همت زیان این شرکت، حدود ۷۰ همت آن- یعنی تقریباً تمامی زیان ثبت شده- ناشی از تسعیر بدهی‌های ارزی است. به بیان ساده‌تر، نوسانات نرخ ارز و تغییر مبنای محاسبه بدهی‌های ارزی از نرخ‌های ترجیحی گذشته به نرخ‌های جدید (نزدیک به نرخ بازار یا تالار دوم)، سبب شده است تا بدهی‌های اینباشته این شرکت که طی سالیان متناهی برای ساخت نیروگاه‌ها ایجاد شده بود، ناگهان با ارزشی چند برابر در دفاتر حسابداری بنشیند و ترانزنامه شرکت را قرمز کند.

همین سناریو با اندکی تفاوت برای دومین زیان‌ده بزرگ کشور، یعنی شرکت ملی گاز ایران نیز تکرار شده است. این شرکت که با ۵۸ همت زیان در رتبه دوم ایستاده، قربانی یک چنگ ارزی نامعوم، در صورت ایستاده مالی خود شده است. طبق اسناد موجود، شرکت ملی گاز اگرچه از محل تسعیر دارایی‌های ارزی عملیاتی ه ۵۲ همت سود شناسایی کرده، اما در مقابل با ثبت ۸۹ همت زیان ناشی از تسعیر بدهی‌های ارزی غیرعملیاتی و ۳۲ همت زیان ناشی از تسعیر بدهی‌های ارزی عملیاتی، عملاً مغلوب این نبرد شده است. این ارقام به وضوح فریاد می‌زنند که بحران امروز صنعت انرژی، بیش و بیش از آنکه یک بحران فنی باشد، یک بحران مالی ناشی از سیاست‌های ارزی ناپایدار است.

**قیچی مرگبار: درآمد ریالی، بدهی دلاری**

پرسش بنیادین این است که چرا شرکت‌های زیرساختی ایران باید چنین حجم عظیمی از بدهی‌های ارزی را در ترانزنامه‌های خود حمل کنند؟ پاسخ به این پرسش ما را در ریشه‌های ساختاری ناترازی، یعنی «قیمت‌گذاری دستوری» می‌رساند. طی دهه‌های گذشته، دولت‌ها با هدف حمایت از مصرف‌کننده، شرکت‌های برق و گاز را موظف کرده‌اند تا خدمات خود را با قیمت‌های تکلیفی و به صورت ریالی به فروش برسانند. این در حالی است که توسعه میزبانی گازی پارس جنوبی یا خرید توربین‌های نیروگاهی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان ارزی بوده است.

در یک اقتصاد سالم، بنگاه اقتصادی هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود را از محل درآمد‌های حاصل از فروش محصول پوشش می‌دهد. اما در اقتصاد انرژی ایران، سرکوب قیمت‌فروش موجب شده تا این شرکت‌ها فاقد منابع داخلی کافی برای توسعه باشند. در نتیجه، برای روشن نگه داشتن چراغ خانه‌ها و

بازار و سرمایه — 400

## «شوگ ارزی» و «قیمت دستوری»

شکافی عمیق در قلب صنعت انرژی کشور دهان باز کرده که حاصل برخورد مرگبار دو سیاست متضاد در اتاق‌های فکر اقتصادی است. در حالی که صورت‌های مالی یا شوک‌های ارزی متورم شده‌اند، جیب شرکت‌ها به دلیل قیمت‌های دستوری خالی مانده و آن‌ها را به حراج دارایی‌های آینده وادار کرده است. در بازی خطرناکی که دولت با یک دست هزینه‌ها را آزاد می‌کند و با دست دیگر درآمدها را می‌بندد، چه کسی توان نهایبی زیان ۱۷۰ همتی غول‌های انرژی ایران را پرداخت خواهد کرد؟



دوسویه از تغییر نرخ تسعیر ارز و زیان ناشی از افزایش استهلاک است؛ به نحوی که از ۱۴ همت زیان این شرکت، ۶ همت ناشی از تسعیر ارز بدهی و ۶ همت ناشی از استهلاکی است که تجدید ارزیابی تحمیل کرده است.

**خاموشی سرمایه‌گذاری: تاوان فیزیکی ورشکستگی مالی**

شاید در نگاه نخست چنین به نظر رسد که این زیان‌های ۱۷۰ همتی، صرفاً اعدادی روی کاغذ هستند و دولت در نهایت با جابجایی ردیف‌های بوده‌جا آن‌ها را تراز خواهد کرد. اما واقعیت تلخ‌تر آن است که این «ناترازی مالی» به سرعت در حال تبدیل شدن به «ناترازی فیزیکی» است. شرکتی که در دفاتر خود ورشکسته است، زیان‌انباشته‌اش از نیمی از سرمایه‌اش فراتر رفته و نقدینگی‌اش توسط بازپرداخت بدهی‌ها بلعیده شده، دیگر توانی برای سرمایه‌گذاری ندارد.

طبق گزارش‌های رسمی، طبق جدول ارائه‌شده در این ادعاست که توسعه زیرساخت‌های انرژی در ایران عملاً متوقف شده است. شرکت تولید نیروی برق حرارتی که باید پیشبرد ساخت نیروگاه‌های جدید و نوسازی نیروگاه‌های فرسوده باشد، طبق جدول ارائه‌شده تنها موفق به تحقق ۸ درصد از بوجه مصوب سرمایه‌گذاری (تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) خود شده است. وضعیت در سایر بخش‌ها نیز تعریفی ندارد؛ شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی نیز تنها ۲۳ درصد از بوجه سرمایه‌ای خود را محقق کرده است.

این آمار یعنی توقف تقریباً کامل توسعه. وقتی سرمایه‌گذاری متوقف شود، استهلاک زیرساخت‌ها از سرعت نوسازی عقب می‌گردد. نیروگاه‌ها پیرتر می‌شوند، راندهان کاهش می‌یابد و شبکه انتقال فرسوده‌تر می‌گردد. نتیجه عینی این اعداد خشک حسابداری، همان خاموشی‌های گسترده در تابستان و افت فشار گاز در زمستان است که شهروندان با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. در واقع، زیان مالی امروز، پیش‌آگهی خاموشی‌های فرداست.

**بقا به قیمت فروش آینده**

در مواجهه با این بی‌بست مالی، شرکت‌های انرژی برای بقا و پرداخت هزینه‌های جاری خود به راهکارهای خطرناک و ناپایداری روی آورده‌اند که می‌توان آن را «فروش آینده» نامید. داده‌های گزارش‌دهنده نشان می‌دهد که ردیف «واگذاری دارایی‌های جاری» در منابع شرکت‌های دولتی، رشدی حیرت‌انگیز و غیرعادی داشته است. در حالی که قانون بوجه رقمی محدود را برای این بخش پیش‌بینی کرده بود،

شکافی عمیق در قلب صنعت انرژی کشور دهان باز کرده که حاصل برخورد مرگبار دو سیاست متضاد در اتاق‌های فکر اقتصادی است. در حالی که صورت‌های مالی یا شوک‌های ارزی متورم شده‌اند، جیب شرکت‌ها به دلیل قیمت‌های دستوری خالی مانده و آن‌ها را به حراج دارایی‌های آینده وادار کرده است. در بازی خطرناکی که دولت با یک دست هزینه‌ها را آزاد می‌کند و با دست دیگر درآمدها را می‌بندد، چه کسی توان نهایبی زیان ۱۷۰ همتی غول‌های انرژی ایران را پرداخت خواهد کرد؟



دوسویه از تغییر نرخ تسعیر ارز و زیان ناشی از افزایش استهلاک است؛ به نحوی که از ۱۴ همت زیان این شرکت، ۶ همت ناشی از تسعیر ارز بدهی و ۶ همت ناشی از استهلاکی است که تجدید ارزیابی تحمیل کرده است.

**خاموشی سرمایه‌گذاری: تاوان فیزیکی ورشکستگی مالی**

شاید در نگاه نخست چنین به نظر رسد که این زیان‌های ۱۷۰ همتی، صرفاً اعدادی روی کاغذ هستند و دولت در نهایت با جابجایی ردیف‌های بوده‌جا آن‌ها را تراز خواهد کرد. اما واقعیت تلخ‌تر آن است که این «ناترازی مالی» به سرعت در حال تبدیل شدن به «ناترازی فیزیکی» است. شرکتی که در دفاتر خود ورشکسته است، زیان‌انباشته‌اش از نیمی از سرمایه‌اش فراتر رفته و نقدینگی‌اش توسط بازپرداخت بدهی‌ها بلعیده شده، دیگر توانی برای سرمایه‌گذاری ندارد.

طبق گزارش‌های رسمی، طبق جدول ارائه‌شده در این ادعاست که توسعه زیرساخت‌های انرژی در ایران عملاً متوقف شده است. شرکت تولید نیروی برق حرارتی که باید پیشبرد ساخت نیروگاه‌های جدید و نوسازی نیروگاه‌های فرسوده باشد، طبق جدول ارائه‌شده تنها موفق به تحقق ۸ درصد از بوجه مصوب سرمایه‌گذاری (تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) خود شده است. وضعیت در سایر بخش‌ها نیز تعریفی ندارد؛ شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی نیز تنها ۲۳ درصد از بوجه سرمایه‌ای خود را محقق کرده است.

این آمار یعنی توقف تقریباً کامل توسعه. وقتی سرمایه‌گذاری متوقف شود، استهلاک زیرساخت‌ها از سرعت نوسازی عقب می‌گردد. نیروگاه‌ها پیرتر می‌شوند، راندهان کاهش می‌یابد و شبکه انتقال فرسوده‌تر می‌گردد. نتیجه عینی این اعداد خشک حسابداری، همان خاموشی‌های گسترده در تابستان و افت فشار گاز در زمستان است که شهروندان با پوست و گوشت خود لمس می‌کنند. در واقع، زیان مالی امروز، پیش‌آگهی خاموشی‌های فرداست.

در مواجهه با این بی‌بست مالی، شرکت‌های انرژی برای بقا و پرداخت هزینه‌های جاری خود به راهکارهای خطرناک و ناپایداری روی آورده‌اند که می‌توان آن را «فروش آینده» نامید. داده‌های گزارش‌دهنده نشان می‌دهد که ردیف «واگذاری دارایی‌های جاری» در منابع شرکت‌های دولتی، رشدی حیرت‌انگیز و غیرعادی داشته است. در حالی که قانون بوجه رقمی محدود را برای این بخش پیش‌بینی کرده بود،

## خبر

### طلای خام به کانال ۱۷ میلیون تومان وارد شد

روز دوشنبه ۶ بهمن، بازار طلا و سکه شاهد یک خیزش قیمتی کم‌سابقه بود که طی آن، همگام با رکوردشکنی تاریخی انس جهانی طلا، قیمت‌ها در بازار داخلی با جهش‌های سنگین بیش از ۵ درصدی مواجه شدند.

به گزارش مهر، امروز دوشنبه ۶ بهمن ۱۴۰۴، بازار طلا و سکه شاهد یک خیزش قیمتی کم‌سابقه بود که طی آن، همگام با رکوردشکنی تاریخی انس جهانی طلا، قیمت‌ها در بازار داخلی با جهش‌های سنگین بیش از ۵ درصدی مواجه شدند. نوسانات شدید صعودی همراه شوند. در بازار طلای خام، مظنه تهران (یک متقال طلای ۱۷ عیار) که شاخص اصلی قیمت‌گذاری در بازار داخلی محسوب می‌شود، با ثبت یک جهش سنگین ۳ میلیون و ۵۸۵ هزار تومانی، به کانال ۷۴ میلیون تومان وارد شد و نرخ ۷۴٫۲۰۰٫۰۰۰ تومان را به ثبت رساند.

این افزایش ۵۰٫۸ درصدی دقیقاً در نرخ طلای ۱۸ عیار نیز بازتاب یافت؛ به طوری که هر گرم طلای ۱۸ عیار با افزایش قابل توجه ۸۲۷ هزار تومانی نسبت به روز گذشته، به سطح ۱۷٫۱۲۹٫۳۰۰ تومان صعود کرد.

طلای ۲۴ عیار نیز از این فاصله عقب نماند و با رشدی بیش از یک میلیون تومان در هر گرم، روی رقم ۲۲٫۸۳۶٫۰۰۰ تومان ایستاد.

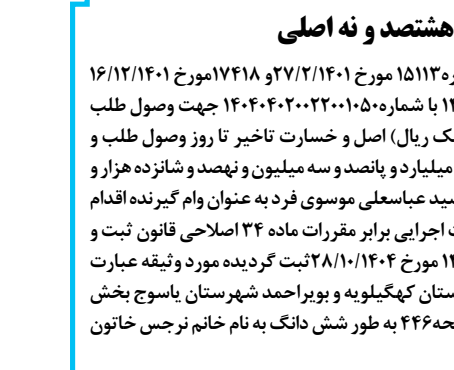
**پیشروی سکه امامی به سوی قله ۱۳۳ میلیون تومانی**

در بازار مسکوکات، شدت نوسانات حتی محسوس‌تر از بازار آبشده بود. سکه تمام بهار آزادی طرح جدید (امامی) که همواره پیشران نوسانات بازار سکه است، با ثبت رشدی نزدیک ۵ به درصد (۴٫۹۹ درصد)، جهشی ۸ میلیون و ۲۰۵ هزار تومانی را تجربه کرد و به رقم ۱۷۲٫۵۰۰٫۰۰۰ تومان رسید. سکه طرح قدیم نیز با وجود نوسان کمتر نسبت به طرح جدید، با افزایش ۵ میلیون و ۴۸۰ هزار تومانی، کانال ۱۶۷ میلیون تومان را فتح کرد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد افزایش در میان انواع سکه به «انیم سکه» اختصاص داشته است. این قطع با رشدی ۵٫۷۷ درصدی، مبلغ ۴ میلیون و ۸۵۷ هزار تومان گران‌تر شد و به قیمت ۸۹٫۰۰۰٫۰۰۰ تومان رسید. رابع سکه نیز همگام با این روند صعودی، با افزایشی ۵٫۳۷ درصدی مواجه شد و با عبور از مرز ۵۰ میلیون تومان، روی نرخ ۵۱٫۹۰۰٫۰۰۰ تومان آرام گرفت.

در پایان جدول نوسانات، سکه یک گرمی ۳۳۰٫۰۰۰ تومان نوسان (۲ درصد رشد)، با قیمت ۱۷۳٫۵۰۰ تومان معامله شد که نشان‌دهنده افزایش ۶۶۱ هزار تومانی نسبت به میانگین روز گذشته است.

این نوسانات شدید افزایشی که تماماً به رنگ سبز بر تابلوهای صرافی‌ها نقش بسته است، نشان‌دهنده همسویی کامل بازار داخلی با جهش‌های ناگهانی اونس جهانی و سینگال‌های قدرتمند صعودی در بازار امروز است.



### آگهی مزایده پلاک ثبتی۸۰۹،۸۴۸هشتصد و چهل هشت فرعی از هشتصد و نه اصلی

بانک کشاورزی شعبه پاسوج استان کهگیلویه و بویراحمد به شناسه ملی۱۰۱۰۰۸۲۰۱۸۴ به استناد اسناد رهئی شماره۱۵۱۱۳ مورخ ۲۷/۱۲/۱۴۰۱مورخ ۱۶/۱۲/۱۴۰۱ صادره از دفتر خانه اسناد رسمی شماره ۵۰ شهر پاسوج استان کهگیلویه بویراحمد در پرونده اجرائی کلاسه۱۴۰۱۰۵۶۴۱۴۰۱۸۴ با شماره ۱۴۰۴۰۲۰۲۰۲۰۲۰۱۰۵۸ جهت وصول طلب خود به مبلغ ۱۳.۵۱۱.۷۴۹.۱۸۱ (سیزده میلیارد و پانصد و یازده میلیون و هشتصد و چهل و نه هزار و یکصد و هشتاد و یک ریال) اصل و خسارت تاخیر تا روز وصول طلب پرونده اجرائی کلاسه۱۴۰۱۰۵۶۴۱۴۰۱۸۴ با شماره۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۲۰۱۰۵۸ جهت وصول طلب خود به مبلغ ۴.۵۰۳.۹۱۶.۴۰۷ (چهار میلیارد و پانصد و سه میلیون و نهصد و شانزده هزار و چهارصد و هفت ریال) اصل و خسارت تاخیر تا روز وصول طلب علیه خانم ترنس خاتون قاضی به عنوان واهن آقای سید عباسعلی موسوی فرد به عنوان وام گیرنده اقدام به صدور اجرائیه نموده است که پس از تشکیل پرونده های اجرائی با شماره های صدرالذکر در این اداره و ادامه عملیات اجرائی برابر مقررات ماده ۲۴ اصلاحی قانون ثبت و به علت عدم پرداخت بدهی از طرف متخلف در خواست مزایده بستانکار طی نامه ی وارده شماره۲۰۲۶۶۸۰۰۰۷۴۶۴۰۱۵۶۴۱۴۰۱۸۴ثبت گردیده مورد وثیقه عبارت است شش دانگ پلاک ثبتی۸۰۹۸۴۸ هشتصد و چهل و هشت فرعی از هشتصد و نه اصلی در مورخه ۱۷/۸/۱۳۹۰در استان کهگیلویه و بویراحمد شهرستان پاسوج بخش ثبتی ۲۶فارس با مساحت ۲۹۷.۲۲۲دویست و نود و هفت میزیم بیست و سه صد متر مربع در دفتر املاک شماره ۵۲ صفحه۴۴۶ به طور شش دانگ به نام خانم ترنس خاتون قاضی به شماره ملی۲۰۲۳۴۲۸۹و با وضعیت تاهل به ثبت رسیده است.

حدود اربعه ملک مذکور عبارت است از: شمالا: پی است به طول(۲۴) بیست و چهار متر به شماره هشتصد و چهل و نه فرعی از هشتصد و نه اصلی شرقا :پی است به طول(۱۴.۳۰) چهارده سیمصد چهارده میزیم سیصدم متر به خیابان آیت الله کاشانی به عرض ۴۰ جنوابا: پی به دیوار به طول (۲۶.۵۰)بیست و شش میزیم پنجاه صد متر به باقی مانده هشتصد و نه اصلی.

وضعیت حقوق از تفاقی ملک:ملک فاقد حقوق از تفاقی است.

وضعیت سکونت ملک: در زمان کارشناسی ملک، ملک در اختیار مالک قرار داد در طبقه همکف و زیرزمین مالک مستقر می باشد و در طبقه اول مورد استفاده مطب دندانپزشکی فرزند مالک می باشد.

توصیف اجمالی ملک مذکور عبارت است از : ملک مورد نظر زمینی است به مساحت ۲۹۷.۲۲دویست و نود و هفت میزیم بیست و سه صد متر مربع در آن ساختمان دو طبقه مسکونی با زیرزمین احداث گردیده است با اسکلت فلزی و سقف طاق ضربی احداث گردیده است نمای ساختمان آجر سه سانتی و اندود داخلی گچکاری همراه با رنگ آمیزی با ابزارهای گچی و در حاشیه دیوار سرامیک به ارتفاع یک متر نصب گردیده است و کف ساختمان موزاییک است درب و پنجره ها فلزی و درب های داخلی چوبی می باشند.

فضاهای داخلی ساختمان مجموعم زیربنای ساختمان در زیرزمین و طبقه همکف و طبقه اول ۵۲۹ فاصد و بیست و نه مترمربع و بیست و چهار مترمربع می باشد و همچنین فضای داخلی طبقات همکف و اول هر کدام مشتمل است بر سه اتاق خواب به همراه حال و پذیرایی مشترک و آشپزخانه و سرویس بهداشتی و زیرزمین سالن می باشد ساختمان دارای حیاط اصلی در ضلع شرقی که موزاییک می باشد و در ضلع غربی دارای حیاط خلوت می باشد سیستم گرمایشی بخاری گازی و سیستم سرمایشی کولر اسپیلیت می باشد.

ساختمان دارای انتشعابات آب و برق و گاز است پلاک ثبتی فوق برابر نرخ مورخ۲۰/۱۰/۱۴۰۴کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ۱۱۴.۹۶۴.۴۰۰۰۰(یکصد و چهارده میلیارد و نهصد و شصت و چهار میلیون و چهارصد هزار ریال) ارزیابی گردیده است ملک موصوف در روز دوشنبه مورخه ۲۰/۱۱/۱۴۰۴(۱۱ ساعت ۹میسی الی ۱۲ ظهر در محل اداره ی اجرائی اسناد رسمی پاسوج واقع در خیابان هجرت ۳ ساختمان قدیم اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کهگیلویه و بویراحمد از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از مبلغ پایه۱۱۴.۹۶۴.۴۰۰۰۰۰۰(یکصد و چهارده میلیارد و نهصد و شصت و چهار میلیون و چهارصد هزار ریال) شروع و بالاترین قیمت پیشنهادی از طرف خریدار با پرداخت در صد مبلغ پایه ارزیابی در روز مزایده واریز مابقی فروش حداکثر ظرف پنج روز از تاریخ روز مزایده فروخت خواهد شد.

شرکت در مزایده منوط به ارائه پیش به مبلغ ده درصد مبلغ پایه ارزیابی می باشد ضمنا کلیه بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و بدهی های مربوط به آب و برق و گاز و تلفن اعم از حق انشعاب یاحق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد اعم از اینکه رقم قطعی آنها معلوم شده یا نشده باشد تا تاریخ مزایده بر عهده برنده مزایده خواهد بود.

که تنظیم سند انتقال اجرائی موقوف به ارائه مفاسا حساب دارایی و شهرداری و نیز آب و برق و گاز و غیره خواهد بود چنانچه روز مزایده مصادف با یا تعطیل رسمی غیرمترقبه گردد مزایده لغو و در وقت دیگری برگزار می شود ضمنا بنا به اظهار بستانکار نامه وارده شماره۲۰۲۶۶۸۰۰۰۷۴۶۴۰۱۵۶۴۱۴۰۱۸۴مورخ۲۰/۱۰/۱۴۰۴ملک مرده وثیقه فاقد بیمه نامه حوادث و آتش سوزی می باشد.

تاریخ انتشار:۷/۱۱/۱۴۰۴

رئیس اداره اجرائی اسناد رسمی پاسوج مهرداد هبت زاده